

Facilitators and inhibitors of full hijab by students: One qualitative study

Foroozan Atashzadeh-Shoorideh¹, Jamileh Mohtashami², Morteza Abdoljabbari^{3*}, Marzieh Karamkhani⁴

1- Department of Nursing Management, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2- Department of Psychiatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3- Department of Islamic Education, Center for the Study of Religion and Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

4- Department of Medical Education, Center for the Study of Religion and Health, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Background and Objectives: Hijab as an Islamic value and divine duty is emphasized and more than ever it is necessary in university settings. The misveiling is a social phenomenon and its social, political and cultural aspects must be studied for understanding factors and causes. The aim of this study was to understand facilitators and inhibitors of full hijab by students.

Materials and Methods: This study is part of a grounded theory study. The data were collected by semi-structured interviews from twelve students who left their veiling, eleven students with veiling, three advisors, two Vice in Student & Cultural Affairs and three family members of students who left their veiling. The participants were selected through purposeful and theoretical sampling method and the data were analyzed simultaneously by continuously comparisons based on Corbin and Strauss 2008 method.

Results: Spiritual adherence as a facilitator of hijab by students is recognized which has three categories: ethical orientation, religion orientation and fear and hope. Doubt in believing as an inhibitor of hijab by students is abstracted which has three subcategories: escape from essence, superficial religious beliefs and inadequate religious knowledge.

Conclusion: By adherence to Spiritual, veiling can be strengthened and it can be weakened by doubts in beliefs. In order to promote of hijab, it is necessary to pay attention its underlying conditions and causes. Individual beliefs and values must be strengthened for promoting hijab.

Keywords: Facilitator, inhibitor, Full Hijab, Student, qualitative approach, Grounded theory

الأسباب الممهّدة و المانعة للمحافظة على الحجاب الكامل بأيدي الطالبات: دراسة كيفية

فروزان آتشزاده شوریده^١، جميله محتشمي^٢، مرتضى عبدالجباري^{٣*}، مرضيه كرمخاني^٤

- ١- قسم مديرية التمريض، كلية التمريض و القبالة، جامعة الشهيد بهشتي في العلوم الطبية، طهران، إيران.
٢- قسم علم النفس، كلية التمريض و القبالة، جامعة الشهيد بهشتي في العلوم الطبية، طهران، إيران.
٣- قسم المعارف الإسلامية، مركز البحوث في الدين والصحة بجامعة الشهيد بهشتي في العلوم الطبية، طهران، إيران.
٤- ماجستير في التعليم الطبي، مركز البحوث في الدين والصحة بجامعة الشهيد بهشتي في العلوم الطبية، طهران، إيران.

الملخص

السابقة و الأهداف: إنّ المحافظة على الحجاب قيمة إسلامية و فرض إلهي مؤكّد تفرض ضرورتها في البيئة الجامعية أكثر من قبل. مساءة الحجاب ظاهرة اجتماعية يجب أن يُبحث عن جوانبها الاجتماعية و السياسية و الثقافية للعثور على أسبابها. إنّ الهدف من هذا البحث تبين الأسباب الممهّدة و المانعة للمحافظة على الحجاب الكامل بأيدي الطالبات.

الموادّ و الأساليب: هذه الدراسة جزء من الدراسات التي تمّت بطريقة النظرية الأساسية (المنظر القراونديدي Grounded Theory). تمّ جمع المعطيات بالحادثة شبه المنظمة مع ١٢ طالبة تاركة الحجاب، و ١١ طالبة ذات الحجاب، و ٣ أساتيد مشاورين، و مساعدين ثقافيين اثنين، و ٣ من أفراد عائلات الطالبات التاركات الحجاب. قد تمّ اختيار المشاركين مع أخذ العينات الهادفة والنظرية، و تمّ تحليل المعطيات بطريقة تحليل المقارنة المستمرة لكورين و ستراوس (٢٠٠٨).

المكشوفات: إنّ الالتزام بالمعنويات الذي هو سبب لتيسير المحافظة على حجاب الطالبات، قد تمّ الحصول عليه بمراعاة الأخلاق، و التدبّن، و الخوف و الرجاء. و الشكّ في المعتقدات الذي قد أتصف بسبب مانع للمحافظة على حجاب الطالبات، قد تمّ الحصول عليه بثلاث الفرعيّات: النفور من الفطرة، و السطحيه العقائديه، و النقص في المعرفة الدينية.

النتيجة: تتمّ تقوية المحافظة على الحجاب الكامل بالالتزام بالمعنويات، كما يتمّ تضعيف الحجاب بالشكّ في المعتقدات. فيلزم الانتباه على الشروط الأساسية و العلية من أجل ترويج الحجاب و تطويره، كما يلزم اتّخاذ الإجراءات اللازمة من أجل تعزيز المعتقدات و القيم و تقويتها.

الألفاظ الرئيسية: الأسباب الممهّدة و المانعة، المحافظة على الحجاب الكامل، الطالبة، النهج الكيفي، النظرية الأساسية.

عوامل تسهیل کننده و بازدارنده‌ی رعایت حجاب کامل توسط دانشجویان: یک مطالعه کیفی

فروزان آتشزاده شوریده^۱، جمیله محتشمی^۲، مرتضی عبدالجباری^{۳*}، مرضیه کرمخانی^۴

- ۱- گروه مدیریت پرستاری، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۲- گروه روان‌پرستاری، دانشکده‌ی پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۳- گروه معارف، مرکز مطالعات دین و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۴- گروه آموزش پزشکی، مرکز مطالعات دین و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

سابقه و اهداف: رعایت حجاب، یک ارزش اسلامی و تکلیف الهی مورد تأکید است و در محیط دانشگاه ضرورت آن بیش از پیش احساس می‌شود. بدحجابی، پدیده‌ی اجتماعی است که برای پی بردن به عوامل آن، باید جوانب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن بررسی شود. هدف از این پژوهش، تبیین عوامل تسهیل کننده و بازدارنده‌ی رعایت حجاب کامل برای دانشجویان بوده است.

مواد و روش‌ها: این مطالعه، بخشی از مطالعه‌ی است که به روش گراند تئوری انجام شده است. داده‌ها با مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته از دوازده دانشجوی ترک حجاب کرده، یازده نفر دانشجوی با حجاب، سه استاد مشاور، دو معاون فرهنگی و سه نفر از اعضای خانواده‌ی دانشجویان ترک حجاب کرده، جمع‌آوری شد. مشارکت‌کنندگان با نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند و تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مقایسه‌ی مداوم کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) انجام شد.

یافته‌ها: تقید به معنویات، که عاملی تسهیل کننده در رعایت حجاب دانشجویان است، با اخلاق‌مداری، دین‌مداری و خوف و رجا، انتزاع شد؛ و تردید در باورها، که عاملی بازدارنده در رعایت حجاب کامل دانشجویان شناخته شد، با سه زیرطبقه‌ی فطرت‌گریزی، باورهای دینی سطحی و شناخت دینی ناکافی، انتزاع شد.

نتیجه‌گیری: رعایت حجاب کامل، با تقید به معنویات تقویت می‌شود؛ و تردید در باورها، حجاب را تضعیف می‌کند؛ بنابراین به منظور ترویج و توسعه‌ی حجاب لازم است به عوامل تسهیل کننده و بازدارنده رعایت حجاب کامل توجه کرد و برای تقویت باورها و ارزش‌ها، اقدام‌های لازم به عمل آورد.

واژگان کلیدی: عوامل تسهیل کننده، عوامل بازدارنده، رعایت حجاب کامل، دانشجو، رویکرد کیفی، نظریه‌ی پایه

مقدمه

عمومی، یکی از دغدغه‌های جامعه‌های دینی، به‌ویژه جامعه‌ی اسلامی ایران است. نبود گرایش به حجاب مناسب و منطبق با هنجارهای اسلامی، از مسئله‌ها و معضله‌های امروزی جامعه محسوب می‌شود (۲).

در جهان معاصر، قانون حجاب نادیده گرفته شده و خودآرایی برای زن، ارزش؛ و حجاب، نشانه‌ی عقب‌ماندگی و ارتجاع گردیده است. کشورهای اسلامی نیز تحت تأثیر تبلیغ‌های دشمنان قرار گرفته‌اند و نداشتن حجاب و بی‌بند و باری را

احیا و ترویج ارزش‌های اسلامی، شرط لازم برای حاکمیت شرع مقدس اسلام در نظام جمهوری اسلامی است. دین مبین اسلام، برای زندگی انسان‌ها در بُعد مادی و معنوی، دستورهای جامع و الگوهایی شایسته و برتر در نظر گرفته است تا انسان‌ها بتوانند در پرتو بهره‌گیری از آن‌ها، در مسیر سازندگی و تکامل خویش گام بردارند و سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند (۱). داشتن پوشش مناسب، به‌ویژه در مجامع

آزادی نام نهاده‌اند(۳).

حجاب، که از نمادهای اسلام است، مرکز توجه جهان اسلام و کشورهای غیرمسلمان، به دلیل مهاجرت اغلب مسلمانان به این کشورها، است(۴). این در حالی است که در دو دهه‌ی گذشته، داشتن حجاب به شکل استفاده از روسری کم‌تر شده و به‌کارگیری انواع پوشش، مانند نقاب و چادر، در بسیاری از کشورهای اروپایی بیش‌تر شده است. همین پدیده، موجب شد که در سال ۲۰۰۴ قانون ممنوعیت حجاب در مدرسه‌های کشور فرانسه وضع شود (۵، ۶)؛ این، درحالی است که منع حجاب، محروم ساختن افراد از حقوق خود است. انسان‌ها حق انتخاب دارند و با منع حجاب، این حق از آنان سلب می‌شود(۷).

تحقیق و تفحص در کتاب‌های فقهی مسلمانان (اعم از سنی و شیعه) ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که حجاب، تکلیفی شرعی و حکمی الهی است که جایگاهی ویژه در شرع مقدس اسلام دارد؛ به‌گونه‌یی که اصل این حکم از ضروریات دین است و اختلاف‌ها درباره‌ی آن، به جزئیات این مسئله مربوط می‌شود(۸). خداوند باری تعالی در قرآن کریم بارها به حجاب اشاره فرموده‌اند و حدّ آن را مشخص نموده‌اند، به‌طوری که در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی مبارکه‌ی نور می‌فرمایند زنان طوری روسری خود را بر روی سینه‌هایشان بیندازند که گردن و سینه‌هایشان پوشیده شود (۸).

بی‌حجابی، پدیده‌یی اجتماعی است که برای رسیدن به عوامل آن، باید با نگاهی اجتماعی مسئله‌ها و زمینه‌های آن را دید(۹). یکی از بزرگ‌ترین معضل‌های کشور ما، کم‌رنگ شدن تدریجی نگاه اجتماعی به پدیده‌ی بی‌حجابی است (۱۰). آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که افزایش بی‌بند و باری و برهنگی در جهان، بروز این معضل‌ها را نیز افزایش داده است: طلاق و از هم‌گسیختگی زندگی زناشویی، رونق گرفتن چشم‌چرانی و هوسبازی، گسترش فحشا و فساد، سوء‌قصد و تجاوز به عنف، بارداری‌های نامشروع و سقط جنین، پیدایش بیماری‌های روانی و مقاربتی، خودکشی و فرار از خانه بر اثر آبروریزی، بی‌مهری مردان چشم‌چران نسبت به همسران خود، رقابت در تجمل‌گرایی و ایجاد دلهره برای خانواده‌های پاک‌دامن رو به فرونی است(۱۱، ۱۲).

با توجه به ماهیت رویارویی با پدیده‌ی حجاب، که پدیده‌یی کیفی است؛ و از آنجایی که حجاب، پدیده‌یی ذهنی و انتزاعی است که هر فرد بنا به ادراک خود آن را به شکلی منحصر به فرد درک می‌نماید و بر اساس ادراک‌ها، باورها و برداشت‌های خود، آن را به‌طور کامل یا ناقص رعایت می‌کند،

لازم بود عوامل تأثیرگذار بر این پدیده به روش کیفی بررسی شود. از سوی دیگر، هر فرد در تعامل‌های خود با دیگران درباره‌ی چگونگی پوشش خود تصمیم می‌گیرد، از این‌رو تعامل‌های اجتماعی می‌تواند بر پوشش و حجاب اثرگذار باشد؛ در واقع، حجاب و پوشش فردی، نمادی است ناشی از تعامل‌های اجتماعی. به همین دلیل، در این پژوهش برای بررسی پدیده‌ی حجاب، از روش گراند تئوری، که مبنای آن، تعامل‌های نمادین است، استفاده شده است. به عبارت بهتر، در پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحقیق کیفی، پژوهشگران با ورود به دنیای درون ذهن مشارکت‌کنندگان و دریافت دیدگاه‌های آنان، به شناسایی تجربه‌های ایشان از رعایت کردن یا نکردن حجاب کامل اقدام نموده‌اند.

پژوهشگران طی سال‌های تحصیل و نیز طی سال‌های کاری خود، در بیش از ۲۵ سال شاهد تغییرهای ظاهری دانشجویان بوده‌اند. دانشجویانی که در بدو ورود به دانشگاه با پوشش کامل اسلامی وارد دانشگاه شده‌اند ولی پس از مدتی، وضع ظاهری دانشجویان رنگ و بوی دیگری یافته و حجاب همانند گذشته، برایشان مفهوم نداشته است و یا دست‌کم پایبند به رعایت آن نبوده‌اند. بنابراین، پژوهشگران تصمیم گرفتند تا با استفاده از تجربه‌های دانشجویان، به بررسی و تبیین عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده‌ی رعایت حجاب کامل در دانشجویان بپردازند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش بخشی از مطالعه‌یی با رویکرد کیفی و با روش گراند تئوری است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دانشجویان مؤنثی بودند که قبلاً پوشش اسلامی را به‌طور کامل رعایت می‌کردند، اما پس از مدتی این پوشش را کنار گذاشته بودند و در رعایت حجاب تلاشی نمی‌کردند؛ این افراد به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. سپس با استخراج کدها، نمونه‌گیری نظری انجام شد. از آنجایی که در فرآیند رویارویی دانشجویان با حجاب، این دانشجو است که باید درباره‌ی حجاب تصمیم بگیرد، ابتدا با خود افراد مصاحبه انجام شد و به دلیل نیاز به شفاف شدن موضوع و اشباع نظری، با دیگر افراد، مانند هم‌کلاسی آنان، استادان مشاور، معاون فرهنگی و حتی اعضای خانواده‌ی دانشجویان نیز مصاحبه انجام شد. برای درک بهتر عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده‌ی رعایت حجاب در میان دانشجویان، تلاش شد تا طیف وسیعی از مشارکت‌کنندگان از دانشکده‌های مختلف انتخاب شوند. جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در

رسیدن به حسن قرابت با مفاهیم نهفته در داده‌ها گوش دادند، سپس آن را به متن کتبی تبدیل نمودند و دوباره همه‌ی متن را چندین بار از آغاز تا پایان خواندند و در نهایت خلاصه‌ی از جریان کل مصاحبه و برخی از مفاهیم نهفته در خلاصه‌ی اشاره شده را مشخص نمودند. هم‌زمان با تجزیه و تحلیل، مقایسه‌ی مداوم به‌منظور ایجاد حساسیت نظری برای اشراف کامل بر مفاهیم انجام شد. برای این اقدام، پژوهشگران از ابزار تحلیل خاص مبتنی بر پرسش‌های ایجاد شده برای ایجاد حساسیت نظری (از طریق طرح سؤال، تجزیه و تحلیل واژه‌ها، عبارات‌ها و یا جمله‌ها و انجام مقایسه‌ها) استفاده کردند. در مرحله‌ی بعد، پس از استخراج کدهای اولیه، پژوهشگران با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌ها، اقدام به خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و طبقه‌بندی داده‌ها کردند. سپس مفاهیم را در سطح بالاتر برای دستیابی به طبقه‌ها، گروه‌بندی کردند. هر مفهوم با مفاهیم قبل و بعد از خود و کل مفاهیم موجود، مقایسه شد، که این مقایسه‌های منظم منجر به تشکیل طبقه‌ها و زیرطبقه‌ها شد. بنابراین با مقایسه‌ی کدها و قرار دادن کدهای دارای بیش‌ترین تشابه در یک طبقه؛ و کدهای دارای بیش‌ترین تفاوت در طبقه‌های دیگر، مفاهیم دقیق‌تر و آشکارتری تبیین شد. کدهای اولیه در این پژوهش تا مراحل پایانی نگارش طرح پژوهشی همواره مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت و در نهایت تعداد کدهای اولیه در فرآیند تحلیل و مقایسه داده‌ها، از ۲۸ کد اولیه به ۶ کد کاهش یافت.

در مرحله‌ی بعد، تحلیل داده‌ها برای مشخص نمودن عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده انجام شد. برای درستی و اطمینان از داده‌ها، از روش تحلیل مقایسه‌ی مداوم کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) استفاده شد که تناسب^۳، قابلیت کاربرد^۴، مفاهیم^۵ و طبقه‌های مناسب، زمینه‌ی بودن مفاهیم^۶، منطق^۷، عمق^۸، تغییرپذیری^۹، خلاقیت^{۱۰}، حساسیت^{۱۱} و دادن مدارک مربوط به یادآورها^{۱۱} را شامل می‌شد.

یافته‌ها

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مشخص شد که عوامل متعددی در رعایت کردن یا رعایت نکردن کامل حجاب در

سه مصاحبه‌ی آخر، هیچ‌کد جدیدی منجر به پیدایش طبقه‌ی جدید نشد.

در این پژوهش، ۱۲ دانشجوی ترک حجاب کرده، ۱۱ نفر دانشجویی که حجاب را پذیرفته و رعایت می‌کردند، سه استاد مشاور و دو معاون فرهنگی و سه نفر از اعضای خانواده‌ی دانشجویان ترک حجاب کرده، مشارکت داشتند. برای رعایت موارد اخلاقی در پژوهش، افزون بر گرفتن کد کمیته‌ی اخلاق، رضایت آگاهانه، حفظ اسرار محرمانه و امکان خروج از مطالعه نیز رعایت شد.

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌ی فردی نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. همه‌ی مصاحبه‌ها به همت یکی از پژوهشگران انجام شد. همچنین همه‌ی مصاحبه‌ها ضبط و سپس بر روی کاغذ نوشته شد و در مواردی که مشارکت‌کننده اجازه‌ی ضبط صدا را نمی‌داد، به‌صورت دست‌نویس متن مصاحبه نوشته می‌شد. در ضمن در طول مصاحبه‌های فردی، از یادداشت‌برداری نیز استفاده شد. در مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته‌ی فردی، پژوهشگر با طرح چند سؤال کلی درباره‌ی فرآیند رویارویی دانشجویان با حجاب، جریان مصاحبه را برای دستیابی به اطلاعات مورد نظر، هدایت کرد. مصاحبه‌های فردی تا حصول اشباع داده‌ها ادامه یافت. پرسش‌های مورد نظر به‌صورت کلی مطرح می‌شد و از مشارکت‌کنندگان خواسته شده بود که تجربه‌های خود را آزادانه درباره‌ی موضوع بیان کنند.

در آغاز مصاحبه‌ها، پژوهشگر ضمن معرفی خود و توضیح هدف‌های پژوهش، از مشارکت‌کنندگان درخواست می‌کرد تا فرم مشخصات جمعیت‌شناختی و رضایت‌نامه را تکمیل نمایند و پیش از شروع مصاحبه، اجازه‌ی ضبط صدا را از مشارکت‌کنندگان می‌گرفت و به آنان درباره‌ی محرمانه ماندن اطلاعات اطمینان می‌داد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۲ تا ۸۵ دقیقه و تعداد مصاحبه‌ها از یک تا دو بار، متفاوت بود. همچنین به مشارکت‌کنندگان اجازه‌ی خروج از مطالعه در هر زمان از پژوهش، داده شده بود. پرسش‌های زیر، نمونه‌ی از پرسش‌های طرح شده در مصاحبه با شرکت‌کنندگان است: تجربه‌ی شما از حجاب چیست؟ از چه زمانی حجاب کامل داشته‌اید؟ و یا چه عواملی در رعایت حجاب شما مؤثر بوده است؟

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مقایسه‌ی مداوم^۱ کوربین و اشتراوس^۲ (۱۳) استفاده شد. در آغاز، پژوهشگران چندین بار متن ضبط شده‌ی مصاحبه را برای

³ Fit

⁴ Applicability

⁵ Concepts

⁶ Contextualization of concepts

⁷ Logic

⁸ Variation

⁹ Creativity

¹⁰ Sensitivity

¹¹ Evidence of memos

¹ Constant comparative analysis

² Corbin & Strauss

است:

«به قول امام خمینی، "عالم محضر خدا است، در محضر خدا معصیت نکنیم». من خیلی وقتاً حس می‌کنم در محضر خدا هستم و ترس و شرم از انجام گناه در محضر خدا سبب می‌شود از گناه دوری کنم. البته به لطف خدا هم امیدوارم و می‌دونم وقتی من سعی می‌کنم گناه نکنم و حجابم رعایت کنم، خدا هم آگه یه وقتایی ندانسته و از روی سهو کاری بکنم، می‌بخشه و به لطف خدا امیدوارم» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۱۶).

۲- تردید در باورها: «تردید در باورها» با سه کد باز «فطرت-گریزی»، «باورهای دینی سطحی» و «شناخت دینی ناکافی»، به‌عنوان عامل بازدارنده در رعایت حجاب کامل دانشجویان شناخته شد.

۲-۱) فطرت‌گریزی

نیاز به پوشش و پرهیز از برهنگی، از گرایش‌های فطری انسان است که خدای متعال آن را در وجود بشر قرار داده است. بنابراین بشر از آغاز خلقت با میل فطری خود کوشیده است تا اندام خود را از دیگران بپوشاند و اگر این گونه نبود، انسان نیز به مانند حیوانات از برهنگی خود شرم نمی‌داشت و با پوشاندن بدن خود احساس آرامش و امنیت نمی‌کرد. از طرفی شیوه‌های اقتدارگرایانه و همراه با تهدید و ترس، نه تنها به تحقق واقعی حجاب منجر نمی‌شود، که موجب واکنش و گریز از دین و مخالفت با دیگر دستوره‌های دینی می‌شود. در این باره یکی از مشارکت‌کنندگان گفته است: یه وقتایی خودمم خجالت می‌کشم وقتی متوجه می‌شم کسی بهم زل زده و داره منو نگاه می‌کنه؛ به‌ویژه تو مهمونیا. ولی از یه طرفم دوست دارم دیگران بهم توجه کنند و ببینن که زیبا هستم. شاید بگم گاهی بهش فکر می‌کنم و یه کشمکش درونی دارم... نباید چیزی رو به زور به کسی تحمیل کرد. وقتی تو دانشکده به زور بهم تذکر می‌دن و میگن حجابتو رعایت کن، یه جورایی بهم بر می‌خوره و از اونجا که رد می‌شم، کار خودمو می‌کنم چون به حرفاشون اعتقاد ندارم...» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۷).

۲-۲) باورهای دینی سطحی

حجاب، کنشی اجتماعی است که مبتنی بر چهار لایه‌ی مفهومی اصلی باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها است؛ به‌طوری که باورها، ارزش‌ها و هنجارها، دارای وجوه ذهنی و اعتباری است و برای درک عینیت حجاب و تحلیل آن، باید به آن‌ها مراجعه و استناد کرد. بدین ترتیب که باورها (اعتقاد به هست‌ها و نیست‌ها) مشروعیت‌بخش ارزش‌ها (ملاک قضاوت درباره‌ی خوب‌ها و بد‌ها) است و ارزش‌ها نیز توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش هنجارها (بایدها و نبایدها)؛ نمادها نیز نماینده و تجلی‌گر

دانشجویان دخالت دارد، که با دسته‌بندی و کدبندی، به صورت تقیّد به معنویات (عامل تسهیل‌کننده) و تردید در باورها (عامل بازدارنده) شناسایی شد.

۱- تقیّد به معنویات: اولین عامل تسهیل‌کننده‌ی رعایت حجاب کامل، شامل سه کد باز «اخلاق‌مداری»، «دین‌مداری» و «خوف و رجا» می‌شود.

۱-۱) اخلاق‌مداری

اخلاق‌مداری یکی از کدهای باز حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان بود که نشان‌دهنده‌ی پایبندی به اصول اخلاقی در رعایت حجاب است. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند با رعایت حجاب، اصول استقلال و ضرر نرساندن به زندگی دیگر افراد جامعه رعایت می‌شود. در رابطه با این، یکی از مشارکت‌کنندگان چنین اظهار می‌کند:

«وقتی حجاب داری دیگه مردهای جامعه چشمشون به ناپاکی‌ها نمی‌افته و زن‌های مردم را با زن خودشون مقایسه نمی‌کنند... آرامش در زندگی حکمفرما است» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۳۱).

۱-۲) دین‌مداری

دین‌مداری، عامل اساسی اجتماعی شدن، انسجام فکری و عملی؛ و جهت‌گیری در رفع مشکل‌ها، پدیده‌ها و مسئله‌های اجتماعی است. از نظر مشارکت‌کنندگان، رعایت حجاب ریشه در دین‌مداری دارد؛ و رعایت نکردن آن، ریشه در دین‌گریزی. یکی از مشارکت‌کنندگان در همین باره گفت:

«حجاب یکی از شئون اسلامی است. وقتی بهش احترام می‌گذاری و رعایت می‌کنی، یعنی به دینت و دستورات دینیت عمل می‌کنی و وقتی هم رعایت نمی‌کنی، یعنی یا دین برات مهم نیست یا این که الکی دین‌داری می‌کنی» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۲۸).

۱-۳) خوف و رجا

یکی از مواردی که موجب تسهیل رعایت حجاب می‌شود، خوف و رجا است. همان‌طور که خداوند هم در قرآن لباس تقوا را وسیله‌ی خوف از خدا می‌داند و صاحبش را از عذاب الهی مصون می‌داند، یکی از مشارکت‌کنندگان نیز در همین زمینه گفت:

«آگه به این باور داشته باشی که خدا همیشه حیّ و حاضر بر اعمال ما است، اون‌وقته که حجاب را مثل سایر دستوره‌های الهی اجراش می‌کنی. آگه واقعاً ترس و شرم از خداوند داشته باشی، دیگه رعایت حجاب برات سخت نمی‌شه و راحت اونو می‌پذیری» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۱۰).

مشارکت‌کننده‌ی دیگری هم به رجا الهی اشاره داشته و گفته

مشخص می‌کند و علاقه‌ها و رجحان‌های اعضای یک گروه یکپارچه یا یک اجتماع را در قالبی می‌گنجاند. زمانی که خواسته‌های فرد با هنجارها، آداب و رسوم و عرف اجتماعی در تضاد باشد، دستیابی به آن خواسته‌ها بسیار هزینه‌بر خواهد بود؛ بنابراین باید با هنجارها، هم‌شکل شود. هم‌شکلی، فرآیندی محدودکننده است که فرد را در یک جامعه با افراد دیگری که با مجموعه‌ی شرایط اجتماعی یکسانی مواجه هستند، همانند می‌سازد.

جامعه‌پذیری، افراد را بر اساس هنجارهای جامعه‌ی آنان مشابه می‌کند. تعریف و اعلان رسمی گروه‌های مرجع و موجه از هنجارها در زمینه‌ی حجاب، رفتارهای مشابه را شکل می‌دهد. گروه‌های جامعه بر اساس این هنجارها، اعضای خود را گزینش و غربال می‌کنند و این ملزومات، تا حدودی افراد را از دید پوشش، مشابه و همسان می‌سازد. افراد به‌دلیل مشابه شدن با هنجارهای جامعه، پاداش می‌گیرند. این مشابهت می‌تواند تعامل فرد با گروه‌های دیگر را سهولت بخشد، وی را فردی مشروع و با شهرت مناسب بشناساند و در زمره‌ی افرادی قرار دهد که شایستگی لازم را برای برعهده گرفتن نقش‌های امتیازدار جامعه دارند (۱۶). بنابراین، وقتی پذیرش یا نپذیرفتن حجاب در جامعه، اشاعه می‌یابد، بر اساس هنجارهای جامعه مشروعیت یا مقبولیت می‌یابد و در گذر زمان در جامعه ثبات می‌یابد. همچنین کسانی که پوشش زن را با تلاش‌های اجتماعی در تضاد می‌بینند، نمی‌توانند در مسائل عملی اجتماع این اعتقاد را کتمان کنند، از این رو سعی بر رعایت‌نکردن حجاب در برخوردهای اجتماعی دارند (۱۷).

نبوی و شهریاری (۱۸) برای تبیین ناکارآمدی جامعه، که عاملی است در ترویج بدحجابی، می‌نویسند: ناهماهنگی بین مجموعه‌های مدیریتی نظام و عملکرد برخی دستگاه‌های فرهنگی کشور در زمینه‌سازی برای ابتدال و دامن زدن به برخی سیاست‌های ضد فرهنگی، با سیاست‌های دستگاه قضایی مبنی بر جرم تلقی کردن این سنخ تظاهرها، تباین آشکار دارد.

از سویی در حال حاضر عموماً افراد بدحجاب در مراجعه‌های اجتماعی بیش‌تر مورد احترام قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، این رفتار در آن‌ها تثبیت می‌شود. از سوی دیگر، برخورد نامناسب و بی‌احترامی نسبت به افراد باحجاب، موجب رنجش خاطر این افراد و احساس تبعیض می‌شود (۱۹). در حالی که لازم است احترام به حجاب و افراد محجبه در جامعه گسترش یابد و مراجع مختلف و نیز مؤمنان حجاب را مورد تشویق قرار دهند. برای نمونه، در اداره‌ها، دانشگاه‌ها و غیره با افراد محجبه با احترام بیش‌تری نسبت به بدحجابان برخورد شود و یا در

هنجارها است که در رفتار و کنش اجتماعی عینیت می‌یابد. گفته‌های زیر بیانگر تجربه‌های یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه است:

«زیاد نباید سخت بگیریم؛ خدا هم این‌قدر سخت نمی‌گیره. حالا دو تا تار مو هم بیرون بیفته مگه چی می‌شه؟» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۱).

۲-۳) شناخت دینی ناکافی

برخی از مشارکت‌کنندگان، نقص در رعایت حجاب را ناشی از شناخت دینی ناکافی می‌دانستند؛ آنان معتقد بودند که حجاب، موجب نقض حقوق بشر، نبود تساوی بین زن و مرد، تبعیض علیه زنان، نقض حق طبیعی انسان و سلب حقوق فردی و ظلم به زنان است. گفته‌های یکی از مشارکت‌کنندگان را در همین زمینه می‌خوانیم:

«یه بار به دانشجویی تذکر دادم که حجابش مناسب نیست و ارزش خواستم حجابشو رعایت کنه. بهم گفت این روسری و چادری که شما می‌گید، حجاب ظاهریه و آدم باید پاک باشه و قلبش صاف باشه و حجاب اصلی اونه. بهش گفتم تو قرآن و احادیث هم به حجاب ظاهری و هم به حجاب باطنی اشاره شده و واجبه. ولی بازم اصرار داشت که حجاب مال زمان‌های قدیمه و بیرون بودن یا نبودن مو فقط یه جنبه‌ی ظاهریه و...» (مشارکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۲۶).

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به درک عوامل تسهیل‌کننده/بازدارنده‌ی رعایت حجاب دانشجویان و تبیین واقعیت‌های موجود در تجربه‌های آنان کمک نماید. هرچند در مطالعه‌های کیفی، هدف، تعمیم‌پذیری یافته‌ها نیست، در مطالعه‌ی حاضر جمع‌آوری اطلاعات تا زمان اشباع داده‌ها و استخراج نشدن داده‌های جدید، ادامه یافت.

دانشگاه، یکی از نهادهای مهم مسئول در تعلیم و تربیت اجتماعی جامعه است؛ و بروز برخی آسیب‌ها می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تداوم انواع رفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی باشد. دانشگاه‌ها بخش عمده‌ی جامعه‌پذیری جوانان را که قبلاً به عهده‌ی خانواده‌ها بود، به عهده دارند (۱۴). بنابراین به سهولت این الگوپذیری در دانشگاه رخ می‌دهد؛ به‌طوری که استادان، دانشجویان و حتی کارکنان دانشکده و دانشگاه خواه، ناخواه بر روی دانشجویان اثر می‌گذارند.

حسینی‌دوست (۱۵) می‌گوید، هنجارها، نظام سازمان‌یافته‌ی است که بین افراد تشکیل‌دهنده‌ی جامعه، مشترک است. هنجارها مقرراتی روشن یا ضمنی است که رفتار مورد انتظار را

در صورتی که حجاب فضیلتی اخلاقی قلمداد شود و التزام رعایت حجاب ملاک خیر بودن داشته باشد، این عمل را به راحتی فاعل آن انجام می‌دهد. به همین سبب بسیاری از مشارکت‌کنندگانی که حجاب را رعایت می‌کردند، به این موضوع از جنبه‌ی اخلاقی می‌نگریستند و آن را وظیفه‌ی اخلاقی خود می‌دانستند.

تردید در باورها، یعنی عامل ممانعت‌کننده در رعایت حجاب، با فطرت‌گریزی، باورهای دینی سطحی و شناخت دینی ناکافی انتزاع شد. همسو با یافته‌های پژوهش، در پژوهش طیبی‌نیا و احمدی (۲۶)، با عنوان مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف، مشخص شد که آگاهی و احساس (باور) منجر به کنش رفتاری و التزام عملی به رعایت حجاب می‌شود. برخوردهای قهرآمیز جامعه، نگاه مادی و لذت‌گرایی فرد، لجبازی‌های سیاسی، هوس و باورهای سطحی، از تجربه‌های مشارکت‌کنندگان در رویارویی با پدیده‌ی حجاب بوده است. علوی و حجتی (۱۷) در این‌باره نوشته‌اند، افرادی که دیدگاه مثبتی نسبت به مدگرایی دارند، همگام بودن آنان با مد، آنان را وادار می‌نماید تا با نمایش گذاشتن خود در جامعه، به این مسئله (حجاب) اهمیت ندهند و حجاب را مانعی برای این امر بدانند.

انگیزه‌ی گرایش زن به حجاب، احساس فطری یا غریزی شرم و حیا است که از آغاز خلقت آدم و حوا در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است (۲۴، ۲۷). از این‌رو، بسیاری از مشارکت‌کنندگان رعایت حجاب را فطرت‌گرایی؛ و رعایت نکردن آن را فطرت‌گریزی می‌پنداشته‌اند. در همین باره، آلن^۲ (۲۸) نوشته‌اند اند که اسلام‌هراسی در جهان غرب موجب شده بسیاری از افراد باحجاب در اروپا احساس امنیت نکنند، اما این افراد به دلیل باورهای عمیق، دست از حجاب برنمی‌دارند و گاهی مجبور به ترک محیط می‌شوند. مشارکت‌کنندگان در مطالعه‌ی دوناند زیمبرمن (۵)، با عنوان «زنان مسلمان و جوان عرب، عامل به چالش کشیدن فمینیسم غرب»، معتقد بوده‌اند افرادی که تحت فشار برای رعایت حجاب قرار می‌گیرند، ممکن است مادام‌العمر حجاب را حفظ نکنند. به همین دلیل در برخی کشورهای عربی، مانند قطر، حجاب اختیاری است و نمادی از ظلم به زنان به شمار نمی‌رود. در حالی که در برخی کشورهای اسلامی، مانند عربستان و ایران، رعایت حجاب الزامی است (۲۹، ۳۰). اما آنچه که حائز اهمیت است، آن است که حجاب موجب حسّ آسودگی خیال، حفظ حرمت‌ها و پذیرش فرهنگ جامعه می‌شود (۳۰).

مدرسه‌ها، با شناسایی دخترانی که در بیرون از مدرسه محجبه هستند، ساز و کاری برقرار شود که این دسته از دختران، به صورت علنی مورد تشویق و تأیید قرار گیرند (۱۸).

تجربه‌ی گذشته‌ی فرد، یکی از عواملی است که می‌تواند در رعایت یا رعایت نکردن حجاب نقش داشته باشد. انسان‌ها همواره در پی انجام دادن اعمال و رفتاری هستند که در انجام آن، تجربه‌ی خوب و شیرینی به دست آورده باشند و از آنچه در گذشته برای آن‌ها پیامد نامطلوب داشته و باعث آزرده‌گی آنان شده، دوری می‌گزینند. اگر فردی در گذشته‌ی خود خاطره‌های مطلوب و خوشایندی از رعایت حجاب داشته باشد، همواره در صدد خواهد بود که خاطره‌ی مطلوب خود را بیش‌تر کند و بدین سبب، به‌طور مداوم در رعایت آن تلاش می‌کند (۲۰). به طوری که مطالعه‌ی رابی^۱ (۲۱)، با عنوان «گوش دادن به صدای صدای حجاب»، نشان داد، برخی افراد به دلیل داشتن خاطره‌های خوشایند و مطلوب از اثرهای مثبت حجاب در زندگی، حجاب را رعایت می‌کنند و افراد باحجاب را افرادی قابل احترام قلمداد می‌نمایند. از سوی دیگر، حیوانی و رایل (۲۲) نوشته‌اند که حجاب مانع حضور زنان مسلمان در فعالیت‌های فیزیکی و ورود آنان در دیگر گروه‌های فرهنگی مذهبی است، گرچه یک فرد مسلمان می‌تواند بین این دو تعادل ایجاد کند.

در پژوهش حاضر، تقید به معنویات، تسهیل‌کننده‌ی رعایت حجاب بوده که با کدهای باز «اخلاق‌مداری»، «دین‌مداری» و «خوف و رجا شکل گرفت. حجاب تنها مختص مسلمانان و دین اسلام نبوده است، بلکه همه‌ی دین‌ها و مذاهب‌ها چه به صورت وظیفه‌ی اخلاقی و سنتی و چه وظیفه‌ی دینی، بر حجاب و رعایت آن تأکید داشته‌اند. از طرفی از دیدگاه قرآن کریم، مسئله‌ی حجاب و پوشش، امری ذاتی و فطری است که موجب حفظ امنیت زنان، خانواده و سلامت جامعه می‌شود (۲۳).

اعتقاد آگاهانه به ارزش انتزاعی رفتارهای مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی و شکل‌های دیگر رفتار، که به‌طور کلی به سبب خویش و مستقل از هرگونه پیش‌بینی موقعیت‌های خارجی شکل می‌گیرد، کنشی ارزشی است که کنش دینی نامیده می‌شود (۲۴). افرادی که دارای این اعتقادند، به دلیل اخلاق‌مداری، دین‌مداری و خوف و رجا و اعتقادات مذهبی خویش، به حجاب رو می‌آورند و پایبند رعایت حجاب می‌شوند. مولایی و یوسف‌وند (۱۴) نیز با انجام مطالعه‌ی با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در گرایش به حجاب، دریافتند که بین میزان اعتقادات دینی و گرایش به حجاب، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. برخوردار (۲۵) درباره‌ی اخلاقی بودن رعایت حجاب می‌نویسد،

² Allen

¹ Ruby

الگوی غنی‌سازی اوقات فراغت.

سیاست‌های تسهیل‌گرانه‌ی رعایت حجاب کامل نیز می‌تواند مشتمل بر این موارد باشد: اصلاح فرهنگ اقتصادی؛ حمایت از تشکیل و پویایی خانواده (۳۱ و ۳۲)؛ توجه به مکمل‌های خانواده؛ و افزایش مهارت‌های زناشویی. سیاست‌های مقابله-گرایانه نیز با هدف مقابله با انحراف‌های پس از وقوع به‌کار گرفته می‌شود، که شامل تقویت حساسیت و غیرت عمومی؛ مقابله‌ی قاطع با مظاهر علنی فساد؛ و مقابله‌ی ویژه با حرکت-های سازمان‌دهی شده است (۳۱ و ۳۲). در نهایت می‌توان سیاست‌های درمان‌گرایانه‌ی مشتمل بر بازپروری روانی و اخلاقی فرد را با محوریت خانواده توسط مشاوران کارآمد و ایجاد زمینه‌های اشتغال و زمینه‌سازی برای ازدواج آنان را نام برد (۳۱).

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتیجه‌های به دست آمده از پژوهش نشان داد که با تقیید به معنویات، حجاب تقویت می‌شود و تردید در باورها، حجاب را تضعیف می‌کند. بنابراین، برای ترویج و توسعه‌ی حجاب، لازم است به عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده رعایت حجاب کامل توجه کرد و برای تقویت باورها و ارزش‌ها، اقدام‌های لازم را به عمل آورد.

عمده‌ترین موضوع در ارتباط با ترویج حجاب، برنامه‌های نظارتی و آموزشی غیرمستقیم و رفتارهای مبتنی بر موازین دست‌اندرکاران است. این گونه برنامه‌ها را می‌توان در قالب برنامه‌های پنهان فرهنگی مطرح و از طریق آموزش پنهان و الگو بودن در عمل، به ایجاد جوّ فرهنگی و سازمانی حامی پوشش هم‌نوا و معیار کمک کرد. همچنین از آن‌جایی‌که رعایت حجاب از نحوه‌ی نگرش افراد ناشی می‌شود، بنابراین شناخت نگرش دانشجویان نسبت به پوشش اسلامی و عوامل مرتبط، در شکل‌گیری آن ضروری است. از جمله عوامل مرتبط با نگرش افراد، چگونگی اجتماعی شدن و روند جامعه‌پذیر شدن آن‌ها است. در میان عوامل جامعه-پذیری، نوع خانواده و تجربه‌ی که فرد در خانواده کسب می‌کند و نیز گروه همسالان، نقش بسیار مهمی دارد. بنابراین، سه عامل سرمایه‌ی فرهنگی خانواده، نحوه‌ی فرزندپروری و نوع تجربه‌ی گذشته درباره‌ی حجاب، در نگرش فرد نسبت به حجاب از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از برتری‌های مطالعه‌ی کنونی، آن است که بیانگر تجربه‌های عمیق مشارکت‌کنندگان درباره‌ی عوامل تسهیل-

شرم، حیا، عشق و اشتیاق به عفاف و پاکدامنی، تدبیر و ساز و کاری نهفته در خلقت انسان است؛ همان چیزی که او را وادار می‌کند که حتی گاهی به صورت ناخودآگاه خود را از چشم نامحرم بپوشاند. به همین لحاظ، وقتی احساس حجب و حیا را از دست می‌دهد، در محیط ناامن اجتماع هم کشف حجاب می‌کند. روان‌شناسان معتقدند که حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تحول‌های جسمی دوران بلوغ که معمولاً با بروز حالت‌های روحی و روانی گوناگونی همراه است، عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد. برخی معتقدند که پوشش و حجاب زن، تدبیر هوشمندانه‌ی فطری او برای جذابیت بیش‌تر خویش است.

در وضعیت تضاد هنجاری، وفاق ارزشی و هنجاری لازم وجود ندارد، به طوری که برای مقوله‌های اجتماعی، دو هنجار یا چند مجموعه هنجار متضاد وجود دارد. برای نمونه، درباره‌ی سبک پوشش زن در جامعه، یک هنجار قائل به پوشش چادر و مقنعه به رنگ مشکی یا تیره است؛ و یک هنجار نیز قائل به پوشش کت و دامن همراه با روسری و جوراب با رنگ‌های روشن یا مانتویی متوسط (نه بلند و کوتاه و نه تنگ و چسبان) با روسری متوسط و شلوار معمولی (نه گشاد و نه تنگ و کوتاه) با رنگ روشن و شاد و مانند آن است. در این صورت با جامعه-یی قطعه‌یی روبرو هستیم که در آن، تنظیم اجتماعی مشکل است و انسجام کلی نیز تضعیف شده است. در واقع تضادهای هنجاری، هزینه‌ی نظارت رسمی جامعه را افزایش می‌دهد و اعتماد متقابل تعمیم‌یافته را کاهش می‌دهد، به طوری که نقش زر و زور در تنظیم رابطه‌های اجتماعی پررنگ می‌شود. در این وضعیت، افراد دایره‌ی دوستی خود را محدود می‌کنند؛ و در مقابل، دایره‌ی دشمنی را گسترده تعریف می‌کنند. در چنین شرایطی، نیروهای هنجاری جامعه، یکدیگر را خنثی می‌کنند و بر توسعه‌ی اجتماعی، اثری کاهنده خواهند داشت.

با توجه به ضرورت رعایت حجاب لازم، است اقدام‌های پیشگیرانه‌ی نپذیرفتن یا رعایت نکردن حجاب کامل صورت گیرد. در زمره‌ی سیاست‌های پیشگیرانه می‌توان از این موارد نام برد: تقویت ایمان و باورهای مذهبی (۳۱، ۳۲)؛ دادن آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی (۳۰-۳۲)؛ بهبود بخشیدن وضع معیشتی مردم و رفع مشکل‌های اقتصادی؛ معرفی الگوی مناسب برای جوانان؛ به‌کارگیری سیاست‌هایی برای ایجاد محیط‌های امن برای بانوان؛ ایجاد مرکزهای تفریحی، ورزشی و هنری؛ نظارت و کنترل بر واردات محصولات فرهنگی (۳۲)؛ تربیت اخلاقی و تربیت جنسی فرزندان؛ تقویت هویت‌های گروهی و اخلاق حرفه‌یی؛ تقویت موقعیت خانواده؛ و اصلاح

Council 2007;9(36):113-37. (Full Text in Persian)

9. Majerajoo M. Women's and Girls Needs and Hijab. Qom: Ghodsian Publishing group's; 2010. (Full Text in Persian)
10. Akhlaghi K. Role of misveiling in reuducing the womens' social security. Journal of Metropolitan Police knowledge. 2014;6(20):127-65. (Full Text in Persian)
11. Yazdan Bakhsh SM. Afaf and the Hijab in religions. . Selection of articles National Congress of Afaf and the veil; Yasooj Medical Science university2010. (Full Text in Persian)
12. Geraati M. Moments with the Qur'an. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center; 2011. (Full Text in Persian)
13. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research 3e. London: Sage; 2008.
14. Movlæi J, Yosefvand S. Sociological Study of Factors Affecting the Orientation towards the Hijab (Case Study: Female Students of Payam Nour University in Abdanan). Quarterly Journal of Women and Society. 2014;5(3):35-46. (Full Text in Persian)
15. Hosseini Doost SM. Allameh Tabatabai University Students' Attitudes toward women's clothing and social factors affecting it. Tehran: Faculty of Social Sciences of Allameh Tabatabai University; 2000-2001. (Full Text in Persian)
16. GholiPour A. The government's role in institutionalizing Hijab. Journal of Women's Cultural and Social Council. 2006;10(37):10-36. (Full Text in Persian)
17. Alavi SHR, Hojjati R. Factors affecting the bad veiling of Kerman Shahidbahonar University girls. Biquarterly of Islamic Education. 2007;2(4):63-88. (Full Text in Persian)
18. Nabavi SA, Shahriari M. The Causes of Poor Coverage (Hijab) among Female Students and Strategies for its Optimization in Theory and Practice. Journal of Cultural Engineering. 2012;7(69-70):63-85. (Full Text in Persian)
19. Lefdahl-Davis EM, Perrone-McGovern KM. The Cultural Adjustment of Saudi Women International Students A Qualitative Examination. Journal of Cross-Cultural Psychology. 2015;46(3):406-34.
20. Sharea Pour M, Taghavi SZ, Mohammadi M. A Sociological Analysis on the Effective factors in Tends to Hijab. Iranian Journal of Cultural Research. 2012;5(3):1-29. (Full Text in Persian)
21. Ruby TF, editor Listening to the voices of hijab. Women's Studies International Forum; 2006: Elsevier.
22. Jiwani N, Rail G. Islam, hijab and young Shia

کننده/ بازدارنده‌ی رعایت حجاب کامل دانشجویان است، که در آن، باورهای دینی سطحی و شناخت ناکافی از دین، زمینه‌ی برای پوشش نامناسب معرفی شده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود بخش‌های فرهنگی دانشگاه با توسل به راهکارهای جدید و به روز، در امر جذب دانشجویان به محفل- های مذهبی بیش از پیش کوشش نمایند و در سایه‌ی تعامل حاصل شده، بُعدهای معقول ضرورت توجه به حجاب را بازخوانی کنند و نشان دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به طراحی ابزار عوامل مؤثر بر ترک حجاب و بررسی تأثیر برنامه‌های حمایتی مدیریتی در پیشگیری از ترک حجاب پرداخته شود.

محدودیت‌های پژوهش

همکاری نکردن تعدادی از دانشجویان و ترس از بیان تجربه‌ها در آغاز کار وجود داشت که پس از توضیح کامل و دادن اطمینان به آنان مبنی بر حفظ اسرار آنان، دسترسی به آنان تسهیل و مشارکت و همکاری آنان جلب شد.

References

1. Aghayani chavoshi A, Talebian D, Habibi M, Ehsanian fard A, Kateb Z, Dehaghin V. The best Hijab: Peronnel and Referral Women's Approach in Medical Centers. Journal of Behavioral Sciences. 2008;1(2):11-2.(Full Text in Persian)
2. Khajenoori B, Ruhani A, Hashemi S. Tendency towards Hijab and Different Lifestyles Case Study: Shiraz Women. jas. 2012;23(3):141-66. (Full Text in Persian)
3. Irvani MR. Investigate the causes of misveiling and unveiling and providing practical solutions to combat it. Selection of articles National Congress of chastity and the veil; Yasooj medical science university2010. (Full Text in Persian)
4. Pereira-Ares N. The politics of hijab in Monica Ali's Brick Lane. The Journal of Commonwealth Literature. 2013;48(2):201-20.
5. Zimmerman DD. Young Arab Muslim Women's Agency Challenging Western Feminism. Affilia. 2014;0886109914546126.
6. Coene G, Longman C. Gendering the diversification of diversity The Belgian hijab (in) question. Ethnicities. 2008;8(3):302-21.
7. Enright M. Girl Interrupted Citizenship and the Irish Hijab Debate. Social & Legal Studies. 2011;20(4):463-80.
8. Gharavi Naeni N, Ameri V. A probe into the meaning of hijab. Journal of Women's Socio - Cultural

- Muslim Canadian women's discursive constructions of physical activity. *Sociology of sport journal*. 2010;27(3):251-67.
23. Shovkati A, Haji Ghasemloo F. Hijab in nations, religions. *Quarterly Journal of Women and Culture*. 2011;2(7):97-105. (Full Text in Persian)
24. Rastegar Khaled A, Mohammadi M, Nagipour Eivaky S. A study of social action styles of the women and girls toward veil model and it's relation with internet and sputnik consumptions. *Women and Family's Socio Cultural Council Quarterly*. 2012;14(56):7-82. (Full Text in Persian)
25. Barkhordari Z. The virtue of Afaf and the Hijab rely on Farabi's perspective. *Pazhouheshnameh-E- Akhlag*. 2012;5(16):45-66. (Full Text in Persian)
26. Tayebinia M, Ahmadi H. Structural equation modeling hijab and Afaf. *Quarterly Scientific - Research women and society*. 2013;4(4):45-66. (Full Text in Persian)
27. Azimian M, Beheshti S. The Philosophy and Realm of Hijab in Islam and its educational effects. *The Quarterly Journal of Islamic education*. 2009;4(8):75-103. (Full Text in Persian)
28. Allen C. 'People hate you because of the way you dress' Understanding the invisible experiences of veiled British Muslim women victims of Islamophobia. *International review of victimology*. 2015;21(3):287-301.
29. Sloan L. Women's oppression or choice? One American's view on wearing the hijab. *Affilia*. 2011;26(2):218-21.
30. Bagheri S, Bagheri MR. Cultural Requirements of Policy Making System for Hijab and Dignity. *Iranian Journal of Cultural Research*. 2012;5(3):31-45. (Full Text in Persian)
31. Safarzadeh S. Role of Hijab on women's Sociopsychological Health and coping strategies with misveiling culture. *Quarterly Journal of Women and Culture*. 2009;1(2):59-72. (Full Text in Persian)
32. Ayazi SMA. Survey of obligatory of Hijab in Religious Government. *Journal of Women's Cultural and Social Council*. 2007;9(36):161-88. (Full Text in Persian)